

# فصلنامه علمی-پژوهشی **رہبانیات**

سال سیزدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۸  
صفحه ۱۵۹ تا ۱۸۱

## جایگاه اشتغال زنان در سیاست‌های کلان کشور بعد از انقلاب اسلامی

لیلا استیری / دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی واحد تهران مرکز، ایران s3pars@yahoo.com

حسین تفضلی / استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تهران، مرکز

tafazzoli\_hossein@yahoo.com

علیرضا سلطانی / استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ایران

soltani12@yahoo.com

### چکیده

حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی از اصول اساسی توسعه پایدار به شمار می‌رود. طی چهار دهه گذشته از انقلاب اسلامی ایران، کم و کیف حضور زنان در عرصه اجتماعی همواره مورد توجه بوده و با طرح مباحث حقوق اجتماعی و انسانی زنان، موضوع اشتغال زنان به عنوان یکی از اولویت‌ها در برنامه ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های دولت‌ها بعد از انقلاب اسلامی مد نظر قرار گرفته است. اما آنچه که جای بررسی دارد چالش‌هایی است که بر اساس رویکردهای متفاوت دولت‌ها در این حوزه دیده می‌شود. چرا که این امر باعث گردیده وضعیت نظام سیاستگذاری در حوزه اشتغال زنان از یک ثبات پایداری برخوردار نباشد. لذا نوشتار حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی در صدد بررسی تأثیر دو رویکرد توانمند سازی و خانواده محوری دولت‌ها بر روندهای اشتغال زایی زنان است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد عدم مسئله شناسی دولت‌ها در حوزه سیاستگذاری اشتغال و تک بعدی نگریستن در این حوزه باعث نقص در برنامه‌های اشتغال زایی زنان شده است.

**کلیدواژه:** اشتغال زنان، سیاستگذاری اجتماعی، توانمند سازی، انقلاب اسلامی.

تاریخ تأیید ۱۳۹۸/۰۲/۰۳

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۱/۲۴

این مقاله برگرفته از رساله دکتری خانم استیری می‌باشد.

### مقدمه

نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکار ناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی نمود. در جهت این پویایی بی‌تردید یکی از موضوعات مهم و مورد توجه در حوزه زنان، وضعیت و جایگاه اشتغال آنها و تمهیدات سیاستی، قانونی و برنامه‌های اندیشیده شده برای آن، جهت تحقق وضعیت مطلوب نظام سیاستگذاری است. بی‌شک، محتوا و چگونگی پرداختن نظام سیاستگذاری به این موضوع، یکی از عوامل تأثیرگذار در تعیین وضعیت و جایگاه مطلوب برای آن به شمار می‌رود. از آن جایی که جهت‌گیری‌های سیاسی، عقاید، گرایش‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها، ایدئولوژی و کلیشه‌ها تعیین‌کننده خط مشی دولت‌ها و سیاست‌های آنان در ابعاد اجتماعی و اقتصادی است (پارسونز، ۱۳۸۵، جلد دوم؛ والش و دیگران، ۲۰۰۰). شناسایی موقعیت‌های ایدئولوژیکی بازیگران سیاسی و نیز تحلیل دقیق تأثیرات، پیامدها و برون‌دادهای سیاست‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار است (الکاک و دیگران، ۲۰۰۸: ۱۸۶). این تصور وجود دارد که دولت‌ها بر اساس ایده‌ها و رویکردهای گوناگون سیاسی، جهت‌گیری‌های متفاوتی در سیاست‌های اجتماعی خود دارند. ساختار اقتصاد سیاسی در ایران سبب شده تا رویکرد دولت نقش مهمی را در تعیین سیاست‌های اجتماعی ایفا نماید. از این رو، فهم تحول، ساختار و نقش دولت در ایران از الزامات ضروری فهم بهتر سیاست اجتماعی است. اما رویکرد و نقش دولت نسبت به سیاست اجتماعی در ایران به ویژه پس از انقلاب ۱۳۵۷ش. که ادعا می‌شود دولت‌هایی با رویکردهای سیاسی متفاوت داشته است، چندان مورد توجه مطالعات حوزه سیاست اجتماعی نبوده است (در این باره بنگرید به قاراخانی، ۱۳۹۰). این موضوع مستلزم بررسی هر یک از ابعاد سیاست اجتماعی با توجه به رویکرد دولت‌ها است.

در ایران بعد از انقلاب اسلامی تلاش‌های گسترده‌ای در جهت رشد و اعتلای زنان و مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی صورت گرفت چنانکه در مقدمه قانون اساسی و برخی از اصول آن از جمله اصل ۲۱، اهمیت دادن، به حقوق زنان به عنوان یکی از موضوعات مهم در عرصه‌های سیاستگذاری و قانونگذاری مورد توجه قرار گرفته است. دولت‌هایی که بعد از انقلاب اسلامی بر سر کار آمدند با توجه به مبانی فکری خود در حوزه اشتغال زنان به تدوین سیاست‌های اشتغال زنان پرداختند. بر این اساس است که ما در روند سیاستگذاری اجتماعی در موضوع اشتغال زنان با رویکردهای متفاوتی مواجه هستیم و این تفاوت رویکرد در بی‌ثباتی اشتغال زنان تأثیرگذار بوده است. چنانچه در برخی از

دیدگاه‌های سیاسی دولت‌ها، که بر مبنای رویکرد توانمند سازی است افزایش اشتغال زنان و توجه به آن، به عنوان اولویت سیاستگذاری مورد توجه است. در چنین رویکردی زنان نتوانسته اند به جایگاه و نقش مناسب خود در حوزه سیاستگذاری‌های مربوط به توسعه پایدار برسند و سخن از اشتغال زنان و رابطه آن با توسعه نیز امری ضروری است (بهشتی، ۱۳۸۲: ۷۳). بر این اساس، سیاستگذاری و برنامه ریزی باید در جهت حل مشکلات مربوط به دستیابی زنان به اشتغال بیشتر باشد. در این دیدگاه برخی از مسائل و مشکلات زنان، موانع توسعه‌ای است که به ساختار کشورها مربوط می‌شود و بخشی از آن موانع غیر توسعه‌ای و غیر ساختاری است. از جمله موانع توسعه‌ای، موانع اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی را می‌توان نام برد. موانع غیر توسعه‌ای نیز به ویژگی‌های شخصیتی و فیزیولوژی زنان باز می‌گردد (فایض، ۱۳۹۴: ۲۸۳).

در رویکرد دیگری از دولت‌ها در ایران، با تاکید بر خانواده محوری معتقدند: که با توجه به ویژگی‌های خاص زنان و مسئولیت‌های متعددی که در خانه به عهده دارند اشتغال زنان نیاز به اصول و قواعد خاص دارد. این رویکرد با استناد به اسناد بالادستی معتقد است مسئله خانواده به عنوان اولویت باید در دستور کار دولت قرار گیرد و خانواده محور بودن را باید در برنامه‌های توسعه در پیش گرفت. لذا سیاستگذاری در حوزه اشتغال زنان باید با تاکید بر خانواده محوری و رعایت ارزش‌ها در جهت تحکیم خانواده و جلوگیری از فروپاشی خانواده صورت گیرد. بدین ترتیب است که در برنامه‌ها و سیاست‌های آنها روند سیاستگذاری در حوزه اشتغال زنان با تاکید بر تحکیم خانواده صورت می‌گیرد. در این رویکرد حضور زنان در اجتماع نباید به گونه‌ای باشد که باعث دور شدن زن از وظیفه اصلی اش باشد و باعث گردد زمینه شغلی برای مردان فراهم نشود (ضرغامی فرد، ۱۳۹۵). خانواده گرایی سبکی از زندگی است که خانواده و نیازهای آن برای زن اولویت نخست است (هدایت نیا، ۱۳۹۶: ۱۴۱). اسلام با اشتغال زنان در بیرون از خانه مخالفتی ندارد، به شرط آنکه سلامت اخلاقی آنها به خطر نیفتد و کیان خانواده آسیب نبیند (علا سوند ۱۳۹۰: ۵۶). سوالی که در این نوشتار مطرح است: تفاوت رویکرد دولت‌ها در ایران چه تأثیری بر روند اشتغال زایی زنان داشته است؟ تک بعدی نگریستن در حوزه سیاست‌های اشتغال زنان، باعث گردیده، سیاست‌ها در روند اجرا از عدم توازن برخوردار باشد و این عدم توازن معطل ماندن سیاست‌های اشتغال زنان را به دنبال داشته است.

## ۱- مبانی مفهومی

### ۱-۱ مفهوم اشتغال

در ابتدا لازم است میان مفهوم «اشتغال» در حوزه اقتصاد و مفهوم «کار» یا «فعالیت» تمایز نهاد. اشتغال به فعالیتی می‌گویند که به منظور تهیه و تولید کالا و خدمات اقتصادی انجام می‌شود؛ (علویون، ۱۹:۱۳۸۱) در حالی که کار معنایی عام دارد و هر فعالیتی را در بر می‌گیرد. اما در عصر صنعتی، با شکل جدیدی از اشتغال روبه روییم که سه ویژگی دارد انجام فعالیت در زمان مشخص و منظم، دریافت مزد در قبال ساعات کار، و وجود فاصله میان محل کار و محل زندگی که گاه از آن به فاصله گرفتن مصرف از تولید تعبیر می‌شود (پاملا ابوت و کلر والاس، ۱۱۶:۱۳۸۰). در اصطلاح جامعه‌شناسی آمده: شغل یا پیشه کاری است که در مقابل دستمزد یا حقوق منظم انجام می‌شود (گیلدنز، ۱۳۸۷: ۵۶۲). اشتغال در نظریه اقتصادی، «کوشش انسانی یا فعالیتی است که در جهت تولید هدایت می‌شود. به‌عنوان یک عامل تولید، کار از مواد اولیه، سرمایه و مدیریت، جدا و فقط شامل مساعی کارگران در اشتغال است. به عبارتی، کار همه افرادی را شامل می‌شود که برای زیستن کار می‌کنند. این تعریف به نیروی کار یک ملت برمی‌گردد که شامل کلیه جمعیت قابل اشتغال و بالای سن معین است» (قدیر، ۱۳۸۵: ۱۱۴۵).

### ۱-۲ سیاستگذاری اجتماعی

سیاستگذاری اجتماعی مجموعه اقدام‌هایی است که دولت‌ها برای مواجهه با مشکلات اجتماعی، به ویژه در حوزه‌های بهداشت، آموزش، مسکن، رفاه و تامین اجتماعی در دستور کار قرار می‌دهند که نقش تأثیر گذاری در ارتقای مشروعیت سیاسی آنها دارد (امیدی، ۱۳۹۳: ۱۷۹). الکااک و دیگران بر این باورند که سیاستگذاری اجتماعی به عنوان بدیلی برای مدیریت اجتماعی علاوه بر توسعه سیاستگذاری و دریافت خدمات، به زمینه‌های اجتماعی و نظری که فرایندها و سیاست‌ها در آن شکل می‌گیرند توجه دارد. به نظر بالداک هدف سیاستگذاری اجتماعی کاهش نابرابری و بهبود رفاه انسانی است، نخست به این دلیل که نابرابری و رفاه انسانی یک مسئله اخلاقی است زیرا به لحاظ اخلاقی، وجود شکاف بزرگ میان فقیر و غنی قابل توجه نیست دوم اینکه، نابرابری و رفاه انسانی به این دلیل در سیاست گذاری اجتماعی مهم اند که به طور مستقیم بر شهروندی تأثیر می‌گذارند.

باتوجه به تعاریف متعدد از سیاستگذاری اجتماعی دولت‌ها در روند سیاست‌های خود در حوزه اجتماعی از ابزار سیاستگذاری اجتماعی با هدف کاهش نابرابری و بهبود رفاه

انسانی به سیاست‌های آموزش، اشتغال، بهداشت و مسکن و تامین اجتماعی توجه خاص دارند. براساس این تعریف‌ها می‌توان سیاست‌گذاری اجتماعی را مداخله عامدانه‌ای دانست که دولت برای رسیدن به اهداف رفاهی در توزیع مجدد منابع در میان شهروندان انجام می‌دهد سیاست‌گذاری اجتماعی حالتی از دخالت دولت است که در اهداف اجتماعی مانند عدالت حمایت از مردم آسیب پذیر و برنامه ریزی مدبرانه زندگی تجلی می‌یابد (امیدی، ۱۳۹۳: ۱۸۲).

### ۱-۳- عدالت جنسیتی

عدالت جنسیتی را می‌توان تعدیل عدالت اجتماعی در حوزه جنسیت دانست. به عبارت دیگر، عدالت جنسیتی اشاره به مبنایی دارد که براساس آن، منابع و امکانات به صورت غیرتبعیض آمیز میان زنان و مردان تقسیم می‌شوند. پیش از بررسی مفهوم عدالت جنسیتی، فهم واژه جنسیت ضروری است جنسیت به لحاظ لغوی و مفهومی، متفاوت از جنس است. جنس، اشاره به تفاوت‌های زیست شناختی میان مردان و زنان دارد اما جنسیت به نقش‌های اجتماعی متفاوت میان زنان و مردان گفته می‌شود. جنسیت بیش از آنکه از تفاوت‌های زیستی ناشی شود ریشه در فرهنگ، تاریخ، مذهب و به طور کلی هنجارها و سنت‌ها دارد. به عبارت دیگر، جنسیت یک امر برساخته و مصنوع است، اما جنس امری طبیعی و بیولوژیک می‌باشد. جنسیت اشاره به سنت‌هایی دارد که بدون آنکه توجهی به فردیت زنان داشته باشد، آنها را در جایگاهی نابرابر نسبت به مردان قرار می‌دهد (سفیری، ۱۳۷۷: ۱۹).

عدالت مورد نظر دین، یک تقسیم کار، مطابق با زن و مرد ایجاد می‌کند که برای تمام اعضا جامعه مفید است. حقوق و مسؤولیت‌های یک زن و یک مرد برابرنند، اما به طور لزوم مانند هم نیستند، از آنجایی که مسلمانان تمایز میان وظایف دو جنس را در اغلب موارد، طبیعی و مفید تلقی می‌کنند، مسؤولیت‌های مرد و زن تفاوت دارد، به این منظور که تعادلی در این اختلاف‌های جسمانی مردان و زنان ایجاد و زمینه را برای پذیرش مسؤولیت بزرگ‌تری که در مسائل جنسی و تربیتی بر عهده زنان است و برای رفاه و خیر جامعه لازم است، تأمین کند (عطارزاد، ۱۳۸۷: ۴۷). اکد-ون در کشت-ورهای غربی «تس-اوی» -با «تسابه» و «برابری» با «هماندی» هم معنا به کار برده می‌شود اما در آموزه‌های اسلام، روح، مذکر و مؤنث ندارد، نفس مطمئنه، مذکر و مؤنث ندارد آن چه مد نظر است، این است که تفاوت‌هایی در دو جنس زن و مرد وجود دارد و این که عده‌ای بخواهند

قانون تساوی و یا تشابه در همه موارد بر آنان جاری کنند نه تنها لطفی و عدلی در مورد زنان انجام نداده اند، بلکه ظلم بزرگی به آنان کرده اند. در این تفاوت‌های تکوینی لطائف حکیمانه بسیار نهفته است که با حساسگری و دقت در آفرینش انجام شده است (کاشانی‌ها، ۱۸۶: ۱۳۸۲).

بنابراین در یک جمع بندی می توان مفهوم عدالت جنسیتی را چنین تعریف نمود: عدالت جنسیتی یعنی رعایت تناسب زنان و مردان در دسترسی به همه امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به گونه ای که هر یک از دو جنس متناسب با خصایص زنانه یا مردانه از همه امکانات برخوردار باشد و هیچ گونه ستم یا اجحافی در حق آنان وارد نشود.

## ۲- مبانی نظری

نظریه پردازان، پدیده اشتغال زنان را از ضرورت‌های جامعه مدرن دانسته‌اند. بدیهی است این سخن به معنای آن است که تحولات و تغییرات در برخی (یا اکثر) مفاهیم و ساختارهای اجتماعی، الگوها و نقش اجتماعی زنان را دستخوش تغییر کرده است. به بیان دیگر، اشتغال زنان افزون بر اینکه پدیده‌ای چند وجهی است، از ساختارهای روبنایی اجتماعی نیز به شمار می‌آید، در نتیجه، پژوهش، مدیریت و برنامه‌ریزی برای اشتغال زنان بدون توجه به سلسله علل و عوامل اثرگذار بر آن امکان‌پذیر نیست (زعفرانچی، ۱۳۸۸). سیاست اجتماعی طیفی از دیدگاه‌های نظری مختلف را اتخاذ میکند که منجر به نتیجه‌گیری متفاوت درباره عملی بودن و مطلوب بودن اقدامات سیاستی گوناگون می‌شود (الکاک و دیگران ۱۳۹۱: ۲۸ و ۲۷). بر این اساس، سیاست گذاری اجتماعی بر مبنای اندیشه‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه طراحی شده و یک عنصر دستوری دارد (بلیک مور ۱۳۸۹: ۲۹). حوزه سیاستگذاری اشتغال نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های سیاست گذاری اجتماعی از این قاعده مستثنی نیست و از تعریف اشتغال گرفته تا برنامه‌های عملی اشتغال زایی از این منطبق پیروی می‌کند.

با توجه به تعریفی که از اشتغال وجود دارد، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وبا توجه به شرایطی که به واسطه انقلاب برای زنان ایجاد شد، حضور و مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفت، لذا در دولت‌هایی که بعد از انقلاب بر سر کار آمدند دو رویکرد در حوزه سیاستگذاری اشتغال زنان در پیش گرفته شد، برخی از دولت‌ها با بهره‌گیری از نظریه توانمند سازی زنان به دنبال افزایش حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی بودند و برخی با بهره‌گیری از نظریه حمایت اجتماعی به دنبال حمایت از

زنان خانه دار و ایجاد امنیت اقتصادی در راستای تحکیم بنیان خانواده بر آمدند لذا در این بخش دونظریه توانمند سازی و نظریه حمایت اجتماعی ساراسون، مورد بررسی قرار می گیرد.

### ۱-۲ نظریه توانمند سازی

این مفهوم در ادبیات تحقیق تعاریف متعددی دارد سارا لانگه (Sara lange) یکی از نظریه پردازان در امور زنان که معتقد است برای توانمند سازی زنان باید پنج مرحله را که به ترتیب شامل رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل است طی کرد. در مرحله رفاه، رفاه مادی زنان مانند تغذیه و درآمد بررسی می شود. در این مرحله از توانمند سازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مد نظر قرار می گیرد. در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید، کارهای مولد در آمد، خدمات آموزشی مهارت‌زا که استخدام و تولید را ممکن می سازد و حتی محصول و دسترنج خود، دسترسی داشته باشند. در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آنها ناشی از کمبودها شخصیت شان نیست، بلکه نشأت گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ بوده و لذا قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنای داشتن برابری است. در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود شرکت می کنند. مشارکت آنها باید با تعداد و شمار آنها در جامعه متناسب باشد. در نهایت، برابری در کنترل به معنای توازن قدرت میان زنان و مردان است (لانگه، ۱۳۷۲). توانمند سازی فرایندی است که فرد امکان انتخاب براساس خواسته‌های خود را داشته باشد (شادی طلب، ۱۳۸۱:۵۴). همینطور اگبومه توانمند سازی را به معنای دسترسی بیشتر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود می داند (Ugbomeh:2001,289). توانمند سازی به معنای تفویض با اعطای قدرت به کسی است (Conger and Kanugo:1998,471). توانمند سازی یک حالت شخصیتی نیست بلکه یک فرایند پویا ست، این فرایند پویا عقاید فرد در ارتباط با شخص - محیط را منعکس می کند.

طبق مطالعات انجام شده، توانمند سازی با توجه به تعاریف ارائه شده از طرف سازمان ملل متحد شامل پنج بخش عمده است که عبارتند از ۱- احساس ارزش داشتن ۲- حق مالکیت و تصمیم گیری ۳- حق دسترسی به فرصت‌ها و منابع ۴- حق کنترل زندگی خود در داخل و بیرون از خانه ۵- قدرت تأثیر گذاری بر جریان تغییرات اجتماعی برای به وجود آوردن نظام عادلانه اقتصادی در محدوده ملی و جهانی است. رویکرد توانمندسازی بسا تأکید بر مفهوم "جنسیت" و آرمان "برابری"، برجسته‌های گوناگون شخصیت و

زندگی زن نظر دارد و به نقش زن در خانواده و به طور خاص مادری صرفاً در کنار نقش‌های دیگر وی توجه می‌کند؛ بنابراین بر خلاف دیدگاه رفاهی که از تقسیم‌کار در خانواده دفاع می‌کند و بر نقش‌های جنسیتی تأکید دارد، نظریه توانمندسازی به واسطه تغذیه از آبشخور نظری برابری زن و مرد در خانواده و جامعه، به دنبال از میان برداشتن نقش‌های متفاوت مبتنی بر جنسیت تا حد ممکن است (مزینانی، ۱۳۹۶:۴۹).

این نظریه که مبتنی بر تالیفات فمینیست‌هاست با تکیه بر تجارب کشورهای جهان سوم شکل گرفته است. لذا در اسناد بین‌المللی همچون سند توسعه پایدار و در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بر توانمندسازی زنان به عنوان یکی از مولفه‌های مهم پرداخته شده است. از شاخصه‌های مهم در توانمندسازی زنان علاوه بر آموزش، مسائلی از قبیل رفع تبعیض از بازار کار، دسترسی به منابع مالی، برخورداری از حق مالکیت، و مشارکت اجتماعی عنوان شده است (گزارش توسعه جهانی، ۱۹۹۵:۴۹۹).

لذا با توجه به تعریفی که از توانمندسازی صورت گرفت، بعد از انقلاب اسلامی برخی دولت‌ها در برنامه‌های توسعه و سیاست‌گذاری‌ها در حوزه زنان با این رویکرد به سیاست‌گذاری در حوزه اشتغال زنان پرداختند. آنها معتقدند که بر اساس مبنای فکری برابری جنسیتی، زنان به عنوان عوامل موثر در امور مختلف اقتصادی و اجتماعی و از نظر مشارکت نیروی انسانی مورد نیاز، در جامعه بیشترین سهم را دارند به گونه‌ای که بدون کمک آنها رسیدن به توسعه اقتصادی امری ناممکن است لذا باید در برنامه‌ریزی‌ها تلاش کرد با توانمندسازی زنان، دستیابی آنها به پست‌های مدیریتی و اشتغال کمی و کیفی را فراهم ساخت. در این رویکرد از جمله مولفه‌های مهم در توانمندسازی زنان آموزش بود که بر این اساس در برنامه اول توسعه بر افزایش سطح سواد و دانش افراد جامعه به خصوص دختران و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی و اجتماعی تأکید شده بود.

دیدگاه توانمندسازی زنان مبتنی بر فرض نابرابری موقعیت زنان و مردان به ویژه در خانواده، بر نقش سیاست‌گذاری در افزایش کنترل منابع مادی و غیرمادی توسط زنان، افزایش قدرت و آزادی انتخاب آنان و بهره‌گیری از تمام توانایی‌ها و خلاقیت‌های زنان با هدف رسیدن به برابری زن و مرد تأکید می‌کند (Moser, 1999:6).

## ۲-۲- نظریه حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی سازوکاری از ارتباطات میان فردی است که افراد را از تأثیرات تنیدگی منفی محافظت می‌کند (Decker:2007,11). حمایت اجتماعی را می‌توان به



هرگونه محرکی که به پیشرفت اهداف فرد حمایت شده کمک می کند دانست (دیمتو، ۱۳۸۷). ساراسون حمایت اجتماعی را مفهومی چند بعدی می داند که هر دو بعد واقعی و تصویری را در بر می گیرد (علیپور، ۱۳۸۵). در مجموع می توان گفت که حمایت اجتماعی یعنی این احساس که شخص مورد توجه دیگران است و دیگران برای او ارزش قائلند و اینکه او به یک شبکه اجتماعی متعلق است (گاچل و دیگران، ۱۳۷۷). هدف حمایت اجتماعی تهیه امنیت در مقابل انواع آسیب پذیری هاست از جمله بهداشت ضعیف، حدوث بیکاری، نوسانات اقتصادی، حمایت از گروه های آسیب پذیر حمایت از شرایط کاری دشوار.

در کشور ما بعد از انقلاب اسلامی نظام سیاستگذاری اجتماعی — که سیاستگذاری اشتغال زنان ذیل آن تعریف می شود به منظور ایجاد امنیت اقتصادی زنان در مقابل نوسانات اقتصادی در دو محور اصلی به مداخله در حوزه اشتغال به ویژه اشتغال زنان می پردازد: ۱- تسهیل و تشویق اشتغال زنان، ۲- حمایت از شاغلان زن و غیر شاغلان زن می باشد (تاج مزینانی و یاسری، ۱۳۹۲: ۸). لذا رویکرد حمایتی از زنان در بعد اقتصادی چه برای زنان شاغل و چه زنان خانه دار در سیاست ها و برنامه های دولت ها دیده می شود در این رویکرد که برگرفته از رویکرد اسلامی انقلاب است، تلاش می گردید که قوانین و ضوابطی در حوزه زنان وضع گردد که علاوه بر حضور زنان در اقتصاد به وظیفه خانه داری آنها لطمه ای وارد نشود. لذا در برنامه های برخی از دولت ها بعد از انقلاب اسلامی همچون دولت نهم قوانینی در حمایت از زنان شاغل و خانه دار وضع می شود. و تلاش ها در جهت اتخاذ سیاست ها و قوانینی است که با ایجاد تعادل بیشتر میان دنیای کار و خانواده از زنان شاغل حمایت می کنند. در دولت نهم رویکرد امنیت اقتصادی با اولویت حمایت از زنان سرپرست خانوار و حمایت از بیمه زنان خانه دار و مشاغل خانگی در پیش گرفته شد و این دولت در اموزنان و خانواده در حوزه اشتغال بیشتر به دنبال حمایت از امنیت اقتصادی زنان در خانواده بود به همین دلیل معتقد بود. یک کشور نمی تواند از نیروی کار زنان در عرصه های مختلف بی نیاز باشد اما این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد (قانون برنامه پنجم توسعه، ۱۳۹۰).

بدین جهت می توان توجه به این مهم را ناشی از تفاوت توانایی های میان زنان و مردان و نقش های متفاوتی دانست که آنها در سراسر زندگی فردی و خانوادگی بر عهده دارند. در مورد زنان مسئولیت نگهداری از فرزندان و انجام کارهای خانگی از جمله این موارد به

شمار می‌رود که دریافت حمایت بیشتر از سوی نظام‌های رفاهی را ضروری می‌نماید. لذا نظام سیاست‌گذاری اجتماعی طیف بسیار وسیعی از قوانین و مقررات را برای تنظیم روابط کاری و تضمین شرایط مناسب کار کردن و همچنین برخورداری از مزایای ناشی از کار وضع کرده است که بر رفاه شاغلان و خانواده‌های آنها تأثیرگذار است. بدین ترتیب، دولت‌ها تلاش می‌کنند با تصویب قوانین مختلف از مشکلات اشتغال زنان در راستای ایجاد عدالت جنسیتی و خانواده محوری بکاهند. بر این اساس به نظر می‌رسد که در نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام دینی، سیاست‌ها و قوانین بر اساس آموزه‌های اسلامی و ارزش‌های موجود در آن شکل می‌گیرند. در این نظام که خانواده به عنوان بنیان جامعه در اولویت قرار دارد و زن نیز به عنوان محور اصلی و مدیر خانواده شناخته می‌شود. همه برنامه ریزی‌ها و قوانین نیز باید ضمن توجه به حفظ و تقویت این نهاد، رشد و تعالی وجودی زن و سلامتی جسم و روح او را مد نظر قرار دهد. همچنین ضروری است سیاست‌های کاهش تعارضات میان انجام مسئولیتهای اجتماعی زنان و خاصه اشتغال آنها با مسئولیتهای خانوادگی و فردی زنان در محیط خانواده از طریق اصلاح ساختار شغلی، اشتغال نیمه وقت بانوان، ارائه تسهیلات شغلی برای انجام وظایف مادری و حمایت از مادران شاغل چون مرخصی‌های دوران بارداری، زایمان و اصلاح ضوابط شغلی متناسب با ویژگی‌های زنان، کاهش سن بازنشستگی زنان، بازنشستگی پیش از موعد زنان با ۲۰ سال سابقه کار اعمال نماید.

### ۳- اصول و سیاست‌های حاکم بر اشتغال در جمهوری اسلامی ایران

#### ۳-۱ - قانون اساسی

مبنای قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری در هر کشور و نظام اجتماعی از جمله ایران قانون اساسی است، لذا سیاست‌گذاری اجتماعی ملزم به رعایت مفاد آن در سیاست‌ها و قوانین در همه حوزه‌ها خواهد بود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دولت موظف به زمینه‌سازی و فراهم نمودن فرصتهای دستیابی به مشاغل برای زنان و مردان به طور یکسان با رعایت موازین اسلامی و با توجه به نیازهای جامعه به مشاغل گوناگون می‌باشد که در اینجا به اصول مطرح شده در قانون اساسی می‌پردازیم:

اصل ۳: دولت جمهوری اسلامی موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

بند ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

بند ۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

بند ۱۲- پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه.

بند ۱۴- تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

اصل ۲۰: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. اصل ۲۱: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید.

بند ۱- ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او از جمله وظایف دولت به شمار می‌آید.

اصل ۲۸: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

وجود این اصول در قانون اساسی، دولت‌ها و نمایندگان مردم را موظف می‌کند که تمام مصوبات و طرحها و لوایح را در این راستا تنظیم و تصویب کرده و ویژگی «اسلامی بودن قوانین»، «رعایت محوریت حقوق خانواده» و «بستر سازی جهت احقاق کلیه حقوق انسانی» را رعایت کنند. نکته اساسی در عدم تشابه حقوق زن و مرد در برخی از قوانین، همان مبنا و نگرش اسلامی است که هر جا مسئولیتها تفاوت دارد، حقوق نیز متفاوت است (قوی، ۱۳۹۴: ۸۳).

#### ۴- اشتغال زنان در گذر برنامه‌های توسعه دولت‌ها پس از انقلاب اسلامی

با بررسی دقیق‌تر سیاست‌ها در حوزه اشتغال زنان متوجه می‌شویم که برخی موضوعات تنها به سیاست‌ها و قوانین محدود مانده و گاهی بدون تصویب هیچ قانونی تنها به صورت

یک سیاست مطرح شده است. به نظر می‌رسد دولت‌ها بنا بر گفتمان و دیدگاه‌های سیاسی که دارند به موضوع زنان به طور عمومی و اشتغال زنان به طور خاص توجه نشان داده‌اند و با تدوین سیاست‌های جدید و یا اجرای سیاست‌هایی که از گذشته در قوانین پیش‌بینی شده است، سعی در اعمال دیدگاه‌های خود در حوزه اشتغال زنان داشته‌اند که همین امر سبب شده است با تغییر دولت‌ها، سیاست‌ها تغییر کند و ما شاهد روندی پایدار و مداوم در حوزه اشتغال زنان نباشیم.

#### ۴-۱- رویکرد توانمندسازی زنان در اجرای سیاست‌های اشتغال زنان

بر اساس این رویکرد توانمندسازی یک زن، به این مفهوم است که وی برای انجام برخی از کارها، توانایی جمعی پیدا می‌کند. این امر، به رفع تبعیض میان زنان و مردان، منجر می‌شود یا در مقابله با تبعیض‌های جنسیتی در جامعه، مؤثر واقع می‌گردد (دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۲).

در این رویکرد افزایش آمار اشتغال زنان به عنوان معیاری برای رفع تبعیض مورد توجه است. وهسته اصلی تفکرات در حوزه اشتغال زنان مشارکت برابر زنان در دستیابی به اشتغال برابر بود که این فرصت‌های برابر تنها از طریق برنامه‌های توانمندسازی میسر بود. لذا بر اساس این رویکرد است که در برهه‌ای از زمان در برنامه سوم توسعه شاهد توانمندسازی زنان در حوزه تحصیلات به منظور حضور در مشاغل گوناگون هستیم.

چنانکه رئیس مرکز امور زنان ریاست جمهوری وقت، زهرا شجاعی در خصوص ضرورت نیاز زنان جامعه به تحصیلات و اشتغال معتقد بود: چنانچه قرار است جامعه‌ای به توسعه دست یابد، نیازمند استفاده از تمامی نیروی انسانی فعال است و زنان به‌عنوان نیمی از افراد یک جامعه لازم است در این مسیر مشارکت داشته باشند. مطابق این نظر مشارکت زنان در امر توسعه نیازمند توانمندسازی آنان است.

#### ۴-۱-۱- اشتغال زنان و برنامه سوم و چهارم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

اولین برنامه‌ای که به رویکرد جنسیتی پرداخته است برنامه سوم است که با نگرش سیاستگذاران مبتنی بر باور مشارکت بیشتر زنان در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی همراه بوده است؛ لذا نسبت به دو برنامه پیش توجه به وضعیت بانوان به گونه‌ای روشن تر طرح گردید.

در برنامه سوم با توجه به رویکرد دولت اصلاحات در مباحث سیاست‌های آموزش و اشتغال تلاش‌ها به گونه‌ای در راستای برابری جنسیتی صورت می‌گرفت و تلاش دولت

و مرکز امور مشارکت زنان، بکارگیری ایده سیاستگذاران در جهت توانمندسازی زنان در حوزه بهداشت و آموزش بوده است. چرا که آموزش زنان به عنوان ابزار رشد و ارتقای سرمایه انسانی به شمار می‌آید. در بند ب ماده ۱۵۸ آمده است: طرح‌های لازم برای افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقای شغلی آنان در چارچوب تمهیدات پیش‌بینی شده در این قانون، متضمن اصلاحات ضروری در امور اداری و حقوقی را تهیه و به منظور تصویب به هیات وزیران ارائه کند. همانگونه که در برنامه سوم توسعه مشاهده گردید رویکرد توانمندسازی زنان، آموزشی است چرا که بر اساس مبانی فکری توسعه‌ای افزایش نرخ زنان تحصیلکرده می‌تواند به عنوان فرصتی قلمداد شود که زمینه‌ای برای رشد هر چه بیشتر آنان را فراهم آورد.

اغلب کشورهای پیشرفته، کم و بیش برای آموزش اجباری به ویژه آموزش عالی یارانه می‌پردازند چرا که معتقدند آموزش باعث می‌شود افراد شانش و بخت یکسان داشته باشند. زنان به عنوان نیمی از نیروی انسانی مولد باید از آموزش عالی برخوردار باشند، که در این صورت می‌توانند به تناسب صحیح و منطبق با نیازهای توسعه، تخصص‌های ضروری در بازار کار را کسب کنند. همچنین برای تصدی مشاغل کلیدی و احراز خبرگی برای مشارکت در تحقق اهداف برنامه توسعه ملی برخوردار از آموزش عالی ضروری است (حقیقت گو، ۱۳۸۴: ۲۸۲).

آموزش به عنوان ابزاری شناخته می‌شود که مهم‌ترین کاربرد آن تواناسازی زنان است و این رسالت در بیانیه آموزش عالی قرن ۲۱ به کارکردهای دانشگاهی اضافه شد (Leathwood, 2009) و این موضوع در ایران هم جنبه اجرایی به خود گرفت به طوری که نرخ ورود زنان به دانشگاه‌ها از ۳۱ درصد در ابتدای انقلاب به ۵۱ درصد در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ افزایش یافت (Mehran, ۲۰۰۹) و در نهایت در دوره اصلاحات میزان باسوادی زنان به ۸۱ درصد و میزان پوشش تحصیلی دختران به ۹۷ درصد رسید. این رقم رشد چهاردرصدی، حاصل برنامه مشترک میان مرکز امور مشارکت زنان و آموزش و پرورش بود. در سال ۱۳۸۴ هم در برنامه توسعه چهارم بیش از ۴۳ بند و ماده و عبارت راجع به زنان وجود دارد که نوعی جریان‌سازی جنسیتی را می‌نمایاند. از جمله مواد مربوط به مشارکت و اشتغال زنان در این برنامه می‌توان به ماده ۱۱۱ و تأکید آن بر گسترش فرصت مشارکت زنان در کشور، ارتقاء مهارت‌های شغلی و افزایش کارآیی زنان از طریق دوره‌های آموزشی ضمن خدمت (ماده ۵۴) «تساوی دستمزد مرد و زن در برابر کار

هم‌ارزش» برابری فرصت‌ها برای زن و مرد و توانمندسازی زنان از طریق دست‌یابی به فرصت‌های اشتغال مناسب به‌واسطه طرح «برنامه ملی توسعه کار شایسته» (ماده ۱۰۱) اشاره کرد.

مهم‌ترین دغدغه در این برنامه مشارکت اجتماعی زنان و تقویت نقش آنان در جامعه است و برنامه چهارم بر اساس جنسیت و توسعه تهیه شده و به سمت حساسیت جنسیتی و سیاست تبعیض مثبت حرکت نموده و برخی از مواد این برنامه از سند پکن گرفته شده است. در برنامه چهارم توسعه مهم‌ترین دغدغه، موضوع اشتغال زنان و ارتقای جایگاه اقتصادی زنان در جامعه است لذا می‌توان گفت که در این دوره دولت‌ها با تکیه بر رویکرد توانمندی موارد ذیل را دنبال می‌کردند.

۱. تأکید بر نقش مستقل زن در جامعه و خانواده؛

۲. توانمندسازی زنان و ارتقاء کیفیت زندگی زنان؛

۳. استفاده از تفکرات نواندیشی دینی در تبیین ساختار خانواده و نقش زنان؛

۴. ایجاد برابری جنسیتی در حوزه مشارکت اقتصادی؛

۵. وارد ساختن گفتمان‌های بین‌المللی و جهانی در خصوص تبیین جایگاه زنان در جامعه.

به دنبال تدوین برنامه‌های توسعه سوم و چهارم و توجه به اشتغال زنان، با نگاه توانمندسازی در حوزه آموزش و به دنبال آن افزایش تحصیلات، می‌بینیم که نه تنها با افزایش اشتغال زنان روبرو نیستیم بلکه ارزیابی آماری مرکز آمار ایران نشان می‌دهد روند کل اشتغال کشور طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱ نشان دهنده افزایش میزان اشتغال کل از ۸۶/۹ در صد به ۸۷/۵۵ در صد می‌باشد اما این روند در مورد اشتغال زنان حاکی از کاهش میزان اشتغال زنان از ۸۵/۶ در صد در سال ۱۳۷۶ به ۸۰/۲۳ در صد در سال ۱۳۸۶ است به واقع این روند کاهش حاکی از این است که میزان دستیابی زنان به اشتغال، متناسب با رشد تحصیلات آنان نبوده است و دستیابی زنان به مدارج بالاتر تحصیلی منجر به مشارکت بیشتر، اشتغال و طیف وسیع‌تری از مشاغل برای آن‌ها نشده است. (گائینی، ۱۳۸۵: ۱۹۰). و در نهایت اینکه در برنامه سوم و چهارم توسعه رشد تحصیلات با رشد اشتغال هماهنگ نبوده و پیامد افزایش تحصیلات در یک دهه اخیر باعث افزایش مطالبه برای اشتغال و آمار بیکاری شده است (امینی، ۱۳۹۵: ۱۳۵).

## ۲-۱-۴- اشتغال زنان و برنامه ششم توسعه

دولت یازدهم رویکرد توسعه بر مبنای جنسیتی را یکی از نکات مورد توجه در فرایند برنامه‌ریزی خود قرار داده است. یکی از مهمترین اصول در فرایند برنامه‌ریزی توسعه بر مبنای جنسیت، توانمندسازی مردم به طور عام و توانمندسازی زنان به طور خاص است که باید در کانون برنامه‌های توسعه هر کشوری قرار گیرد و ظرفیت‌های لازم در این زمینه بوجود آید. در این شرایط است که قابلیت‌های نهفته زنان فرصت ظهور خواهد یافت و دامنه انتخاب آنها برای مشارکت هر چه بیشتر در فرایند توسعه بیشتر خواهد شد. زمانی که زنان توانمند شوند، مشارکت آنان برای فعالیت و نقش‌آفرینی در فرایند توسعه بیشتر خواهد شد (رمضانی، ۱۳۹۵: ۷۸).

دولت یازدهم برنامه ششم توسعه را فرصت مغتنمی می‌داند که به تحقق توسعه‌ای متوازن کمک می‌کند. این دولت معتقد است، در پیش گرفتن مشی تعامل و گفتگو شرایط را برای ایفای نقش‌های چندگانه زنان در خانه و جامعه مهیا می‌کند. با این نگاه نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زن و مرد، مدیریت‌ها، بازار کار، و نیز کار و زندگی زنان نیازمند توازن و تعادل جنسیتی است وضعیتی که در آن مشارکت همه جانبه زنان و مردان در همه عرصه، توسعه کشور را به ارمغان آورد.

دولت یازدهم با نگاه توانمندسازی در جهت تسری عدالت جنسیتی وارد عرصه سیاست‌گذاری برای جامعه شد (نژاد بهرام، ۱۳۹۵) در این رویکرد افزایش آمار اشتغال زنان به عنوان معیاری برای رفع تبعیض مورد توجه است. وهسته اصلی تفکرات در حوزه اشتغال زنان مشارکت برابر زنان در دستیابی به اشتغال برابر است افق چشم انداز این دولت تلاش در تحقق تعادل و توازن جنسیتی در تمام جنبه‌های زندگی: تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، دسترسی به منابع و خدمات، گسترش قدرت انتخاب و برخورداری از منافع توسعه انسانی پایدار و دسترسی متوازن به منزلت، قدرت، ثروت و اطلاعات، معرفی شده است (قابل دسترسی به سایت مرکز امور زنان ریاست جمهوری، ۱۳۹۴).

اشتغال و توسعه کارآفرینی با استفاده از ظرفیت‌های بخش دولتی و خصوصی بویژه برای بانوان از برنامه‌های این دولت اعلام گردیده است (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۳/۱۲/۷) در برنامه ششم توسعه خط مشی دولت در رسیدن به اشتغال پایدار زنان افزایش توانمندی‌های زنان در حوزه‌های مدیریتی، کارآفرینی، اشتغال، است و تلاش‌ها در راستای کاهش نرخ

بیکاری زنان با اولویت تحصیلکرده‌ها و افزایش کمی زنان در پست‌های مدیریتی و قانون‌گذاری، است.

در برنامه ششم توسعه بر حق اشتغال زنان، و ایجاد فرصت‌های اشتغال خارج از سیستم دولتی تأکید شده است. این رویکرد بر خوداتکایی و خوداشتغالی زنان تأکید دارد و تلاش دارد با ایجاد زمینه برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید زنان را به آن سمت هدایت کند. از آن‌جا که ظرفیت سازمان‌های دولتی جواب‌گوی حجم عظیم زنان جویند کار نیست، معاونت امور زنان ریاست جمهوری در سند سیاستی اجرایی اشتغال پایدار که به شورای عالی اشتغال ارسال نمود چهار پیشنهاد سیاستی را در حوزه اشتغال زنان مطرح نمود در این سند چهار محور زنان مزد و حقوق بگير بخش خصوصی، زنان کارگر در مشاغل سخت، زنان در بازار کار غیر رسمی و مراکز کارپایی بخش غیر دولتی مورد بررسی قرار گرفته و به شورای عالی اشتغال جهت اجرا پیشنهاد گردیده است. دولت یازدهم (روحانی) بر اشتغال و برابری جنسیتی تأکید دارد و بر این اساس در سیاست‌های خود در حوزه اشتغال زنان به دنبال برابری فرصت‌های شغلی، نوع مشاغل و سطح پرداخت برای مقدار کار مساوی است. از موضوعات مهم دیگری که در امور زنان این دولت، پیگیری شد و در دولت دوازدهم دنبال گردید دست یافتن به ۳۰ درصد از پست‌های مدیریتی توسط زنان است.

بررسی‌ها در سیاست‌های اشتغال زنان در دولت یازدهم نشان می‌دهد آنچه که در این دولت رخ داده غلبه نگاه سیاسی است. دولت یازدهم رویکرد توانمند سازی با نگاه برابری جنسیتی را که در اهداف توسعه پایدار (۲۰۳۰) است دنبال می‌کند. این دولت بیشتر از آنکه متأثر از نگاه اقتصادی در حوزه اشتغال زایی باشد و مشارکت حقیقی زنان را در امر اقتصادی مد نظر قرار دهد با نگاه سیاسی به این مسئله پرداخته و حتی آنجا که به مشارکت زنان در امر اقتصادی می‌پردازد به دنبال زمینه سازی برای افزایش مشارکت سیاسی زنان است.

دولت اعتدال در تشخیص صحیح و جامع مسئله اشتغال زنان و ابعاد مترتب بر آن دچار نوعی شتابزدگی شده و مسیر تمامی سیاست‌ها در یک فضای بی سامان و غیر هدمند دنبال می‌شود چرا که اکنون شاهد عدم تحقق اهداف اشتغال زایی زنان هستیم. طبق بررسی‌های مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، جمعیت زنان بیکار طی سال‌های ۹۰ تا ۹۶ از ۸۳۰ هزار و ۹۹۶ نفر به بیش از یک میلیون و ۳۷ هزار نفر افزایش یافته که از افزایش ۲۰۰ هزار نفری این جمعیت در این فاصله زمانی حکایت دارد (ایسنا، ۱۳۹۵).



این روند کاهش‌ی نشان دهنده عدم کارایی برخی سیاست‌های اشتغال‌زایی در این دولت است.

بخشی از اقدامات در دولت ( یازدهم و دوازدهم ) در راستای رسیدن به اهداف مذکور شامل موارد زیر است:

۱. وعده تدوین سند سیاستی اجرایی اشتغال پایدار زنان که تاکنون به سرانجام نرسیده است؛

۲. گنجانیدن واژه عدالت جنسیتی در برنامه ششم توسعه؛

۳. اجرای برنامه‌های توانمندسازی زنان شهری و روستایی.

۴- پرداختن به موضوع پستهای ۳۰ درصدی مدیریتی زنان

## ۲-۴- رویکرد خانواده محوری در اجرای سیاست‌های اشتغال زنان

در روند سیاست‌گذاری اجتماعی مقصود از خانواده محوری مهندسی جامعه و نهادهای اجتماعی با محوریت خانواده است اصطلاح خانواده محوری برای نخستین بار در سند نقش مهندسی فرهنگی کشور به کار گرفته شده است (هدایت نیا، ۱۳۹۶: ۲۰۴) در این سند با تاکید بر لزوم معرفی جمهوری اسلامی ایران به عنوان (قطب خانواده محوری) چنین آورده است: تبیین و ترویج الگوی خانواده تراز جمهوری اسلامی ایران و گفت‌وگو سازی و معرفی ج.ا.ا. به عنوان قطب خانواده محوری. بدین ترتیب مقصود از خانواده محوری در حقوق داخلی ج.ا.ا. هماهنگی سازی تمامی اقدامات ملی با نیازها و مصالح کلان خانواده است. لذا با توجه به تاکیدات در این خصوص در قوانین بالادستی مبنی بر اجرای سیاست‌ها بر اساس رویکرد خانواده محوری برخی دولت‌ها با این اولویت در حوزه اجرای سیاست‌ها اقدام نمودند و در برنامه‌های اجرایی خود در موضوع اشتغال زنان به منظور عدم آسیب به حوزه خانواده نگاه حمایتی را در پیش گرفتند. و این گفت‌وگو در تلاش بود با اجرای سیاست‌های حمایتی از زنان شاغل و زنان خانه دار تسهیل‌گری را محقق سازد. لذا در همین دوران و در سال ۱۳۷۱ بود که «سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران» تدوین شد. در این برنامه از دستگاه‌های تبلیغاتی و سیاسی خواسته شده بود، به گونه‌ای عمل کنند که زمینه‌ساز حضور زنان در فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، خدماتی و تولیدی و اصلاح بینش نسبت به اشتغال آنان و ضرورت حضور زنان در مرحله رشد و دوران سازندگی باشد و تلاش برای تغییر نگرش نیروهای سنتی نسبت به اشتغال زنان در این دوره مورد توجه قرار گرفت. چنانکه مطابق ماده ۲ سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی، نه تنها اشتغال، حق

زنان است، بلکه لازمه تحقق «عدالت اجتماعی» و «تعالی جامعه» است و در مواد ۵۰۴ آن نیز بر فراهم آوردن شرایط مطلوب و تسهیلات لازم برای زنان در جهت ایفای وظایف مادری و کاری تأکید نموده است (آل کجیاف، ۱۳۸۵: ۲۱).

همچنین منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، با الهام از شریعت جامع اسلام و نظام حقوقی آن و با تکیه بر شناخت و ایمان به خداوند متعال و با هدف تبیین نظام مند حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی تدوین گردیده است. و در این منشور با بهره‌گیری از نظریات اسلام روند حمایتی از زنان شاغل و غیر شاغل در دستور کار برنامه‌های زنان قرار گرفت.

#### ۱-۲-۴- اشتغال زنان در برنامه پنجم توسعه

با روی کار آمدن دولت نهم به ریاست محمود احمدی نژاد و با توجه به رویکردی که این دولت به موضوع زنان داشت در ابتدای این دولت تلاش‌ها در جهت تغییر نام مرکز زنان ریاست جمهوری به معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری صورت گرفت. به واقع باید گفت از همین تغییر نام می‌توان به سیاست‌های این دولت در حوزه زنان پی برد. که سیاست‌های این دولت در حوزه زنان با تأکید بر تحکیم بنیان خانواده تدوین شد. در این دولت که با شعار تشکیل دولت اسلامی حول محورهایی چون عدالت، دین‌مداری، مبارزه با فساد، توجه به محرومین و... تشکیل شد توجه به جایگاه محوری خانواده و منزلت زن در جامعه اسلامی در سیاست‌ها و برنامه‌های حوزه زنان مورد توجه قرار گرفت از نگاه این دولت خانواده جنبه حیاتی دارد و عنصر تعیین‌کننده‌ای در شخصیت و وضعیت اجتماعی زن، شوهر و کودکان آنهاست و عنصری ضروری در هر جامعه سازمان یافته است (باقری، ۱۳۸۳). در برنامه پنجم توسعه ملاحظه می‌شود که دولت وقت با توجه به مبانی فکری خود در راستای عدالت جنسیتی گام برداشته و در حوزه سیاست‌های اشتغال زنان با تأکید بر تحکیم بنیان خانواده در بسیاری از حوزه‌ها از جمله حوزه آموزش، اقتصاد، بهبود فضای کسب و کار، سلامت، ورزش و اوقات فراغت زنان به سیاست‌گذاری پرداخته است. در این رویکرد توجه به سیاست‌های اشتغال زنان با توجه به سیاست‌های جمعیتی مورد توجه قرار می‌گیرد.

در ماده ۲۳۰ قانون برنامه پنجم توسعه که به نوعی مهم‌ترین ماده این برنامه درباره زنان و خانواده محسوب می‌شود، تحکیم بنیان خانواده به عنوان اولویت مورد توجه قرار گرفته

است (مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۲:۱۷۱). چرا که از تولد فرزند نیز بیشتر بار مسئولیت نگهداری از کودک و هزینه‌ها و ایثار برای داشتن فرزند و مراقبت از آن در طول سال‌های نوزادی توسط مادر تحمل می‌شود (شولتز، ۱۹۷۴:۳).

در این دولت تلاش‌ها بر این است که الگویی در حوزه اشتغال زنان طراحی گردد تا زن بتواند با اولویت بخشی به مسئولیت‌های خانواده در صورت لزوم یا تمایل در حوزه اشتغال نیز مشارکت داشته باشد. لذا براساس این دیدگاه است که موضوع بیمه زنان خانه دار، افزایش مرخصی زایمان، کاهش ساعت کاری زنان شاغل، اشتغال نیمه وقت به عنوان سیاست‌های حمایتی مورد توجه قرار می‌گیرد.

بخشی از مهم‌ترین گزاره‌های گفتمانی در این دولت (نهم و دهم) درباره زنان به قرار

زیر است:

- تأکید بر تعریف نقش زنان در بستر خانواده؛
- گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه و ترویج آن در ادارات و محیط‌های شغلی؛
- آموزش و گسترش اشتغال زنان متناسب با نقش‌های جنسیتی؛
- توجه به برنامه‌ها و سیاست‌هایی در راستای ایجاد تعادل میان اشتغال و نقش‌های خانگی زنان.

##### ۵- پرداختن به مشکلات زنان شاغل در جهت تحکیم بنیان خانواده

با شکل‌گیری دولت نهم و دهم که جزئی از جریان اصولگرایی کشور به‌شمار می‌رفت، پررنگ شدن مسئولیت زنان در خانواده هدف برنامه ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های این دولت در امور زنان قرار گرفت و بر این اساس کاهش زمانی برای اشتغال زنان ابتدا به صورت بخشنامه در برخی وزارت‌خانه‌ها مطرح و بعد به صورت لایحه از سوی دولت به مجلس ارائه شد. پس از آن دولت طرح دورکاری زنان شاغل در روزهای پنجشنبه و استخدام زنان به صورت پاره‌وقت را ارائه داد. لذا اینگونه است که می‌بینیم به دلیل عدم توجه دولت نهم به ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب در مشاغل رسمی حضور زنان در مشاغل غیر رسمی افزایش می‌یابد و به رغم این واقعیت که متوسط سطح تحصیلات در میان زنان بالاتر از مردان است اما نسبت زنان در مشاغل غیر رسمی بالاتر است (کریمی، ۱۳۹۰:۱۲۳) و به واقع یک سوم زنان شاغل با مزدهای پایین‌تر از حداقل رسمی مشغول به کارند. در سال‌های (۱۳۸۷) ۲۵ درصد از شاغلان غیر رسمی را زنان تشکیل می‌دهند در حالی که تنها ۱۰ درصد از مشاغل رسمی را زنان برعهده دارند (رنانی و همکاران، ۱۳۹۰).

این روند در مشاغل زنان در دولت نهم نشان دهنده فقدان سیاستگذاری مناسب و عدم تشخیص درست مسئله در حوزه سیاست‌های اشتغال زنان است چرا که باعث افزایش و پذیرش مشاغل غیر رسمی و غیر حمایتی با مزدهای پایین تر از حداقل مزد در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ توسط زنان شده است.

بخشی از اقدامات عملی دولت مذکور شامل موارد زیر است:

۱. ارائه برنامه‌های اشتغال زنان با رویکرد خانواده‌محور شامل دور کاری، اشتغال نیمه‌وقت و کاهش ساعات کاری و گسترش مشاغل خانگی و افزایش مدت مرخصی زایمان؛
۲. در اولویت قرار دادن زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست در برنامه‌های اشتغال‌زایی زنان؛
۳. تأکید ماده ۲۳۰ برنامه پنجم توسعه بر مشاغل خانگی و تلاش جهت درآمدزایی در حوزه خانواده (این امر با هدف سالم‌سازی محیط‌های کاری، کاهش اختلاط زن و مرد و در راستای گسترش فرهنگ حجاب و عفاف مورد توجه قرار گرفته است)؛
۴. توجه به برنامه‌های حمایتی در جهت تواناسازی زنان سرپرست خانوار

### نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه اشتغال زنان و همچنین بررسی سیاست‌های دولت‌ها در برنامه‌های توسعه این نتیجه برداشت می‌شود که مبانی فکری دولت‌ها در روند سیاستگذاری آنها بی‌تأثیر نبوده است و باعث تناقض در امر سیاستگذاری در حوزه زنان گردیده است چنانکه اگر دولتی معتقد به عدالت جنسیتی باشد روند سیاستگذاری به گونه‌ای پیش می‌رود که زنان با توجه به شرایط جسمی و جنسی خود و وظایف اجتماعی در جامعه بروز و ظهور یابند چنانکه دولتی بر مبنای برابری جنسیتی سیاستگذاری نماید تلاش‌ها به این سمت می‌رود که آنچه باعث بی‌عدالتی بین زن و مرد گردیده جنسیت است و باید بدون در نظر گرفتن جنسیت در حوزه اشتغال زنان برنامه‌ریزی نمود به واقع مثلاً در برنامه چهارم توسعه رویکرد دولت افزایش حضور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان است اما در برنامه پنجم توسعه با توجه به دیدگاه‌های دولتی که قدرت را به دست دارد، رویکرد متفاوت است و بیشتر بحث تحکیم خانواده مطرح است و حضور اقتصادی و اجتماعی زنان در اولویت بعدی قرار می‌گیرد و روند سیاستگذاری در حوزه اشتغال زنان به گونه‌ای است که بیشتر در برگیرنده تسهیلات حمایتی به منظور توجه به خانواده است.

به نظر می‌رسد در یک نگاه کلی بتوان گفت هیچ‌یک از برنامه‌های توسعه در بهبود وضعیت زنان ثمر چندانی نداشته است. هر یک از برنامه‌های توسعه به رشد یک‌جانبه از نیازهای زنان پرداخته است. و در واقع در برهه‌ای از زمان با بهره‌گیری از رویکرد توانمندسازی محتوای سیاست‌ها به دنبال اجرای اهداف اشتغال‌زایی زنان است و این رویکرد بدون توجه به نگاه اسناد بالادستی در موضوع زنان روند اجرایی اهداف خود را در پیش می‌گیرد و فقط به افزایش آمار اشتغال زنان توجه می‌نماید و در برهه‌ای دیگر سیاست‌ها در صدد نگاه حمایتی به زنان شاغل و خانه‌دار است و کمتر به آسیب‌های عدم حضور مستمر زنان در برخی مشاغل توجه می‌نماید و به واقع باید گفت اینگونه سیاستگذاری در حوزه زنان نشأت گرفته از تناقض‌های فکری در حوزه مسئله‌شناسی است. چرا که این تناقض باعث گردیده در هر برهه‌ای از زمان با توجه به رویکردی که دولت‌ها به مسئله دارند موضوعی از زنان را در دستور کار خود قرار دهند که شرایط یک مسئله را نداشته است و دولت‌ها بنا به تشخیص خود و نه مصلحت جمعی جامعه و نیاز حقیقی زنان، مسئله‌ای را به‌عنوان مسئله زنان انتخاب و بر اساس آن توان هشت‌ساله خود را صرف کرده‌اند.

زمان آن است که بی‌برنامگی و سلیقه‌ای‌بودن در مسایل زنان، جای خود را به نگاهی جامع‌نگر، دارای کلیت و منعطف در برابر تنوع فرهنگی زیست‌بوم ایرانی بدهد تا بتوان به‌دوراز تنش‌های سیاسی و انتخاب‌های جناحی به امور زنان و جامعه‌ای که در آن زیست می‌کنند، سامان داد. در نهایت نکته مهمی که لازم است توجه شود اینکه وضعیت اشتغال زنان در کشور ما آسیب‌هایی دارد و سیاست‌گذاران در اشتغال زنان در هر دولتی باید تلاش نمایند الگویی را طراحی کنند تا زن بتواند با رعایت توجه به مسئولیت‌های خانوادگی در صورت لزوم یا تمایل در حوزه اشتغال مشارکت داشته باشد و به واقع سیاست‌های اشتغال زنان در کشور ما از عدالت جنسیتی که مد نظر حاکمیت است دور مانده و سیاست‌های دوگانه دولت‌ها باعث گردیده که بسیاری از این سیاست‌ها در حد قانون باقی بماند و جنبه اجرایی پیدا نکند. در آخر پیشنهاد می‌گردد تاسیس مرکز فراقوه‌ای زنان می‌تواند به رفع این دوگانگی‌ها در روند سیاست‌های حوزه زنان کمک کند در این مرکز قرار است همه مسائل زنان به یک شکل سیستمی کامل، بایک هندسه صحیح تصویر و ترسیم شود. در ذیل این مرکز هم وجود نهادهایی که در حوزه زنان فعال هستند و در سیاست‌گذاریها و برنامه ریزی نقش دارند بسیار می‌تواند موثر باشد چرا که این مدل باعث می‌شود در یک تفکر جمعی از طریق مدل سیستمی به یک ایده موثر و تأثیرگذار در حوزه زنان دست یافت.

## منابع و مأخذ:

- ابوت، پاملا و کلووالاس، (۱۳۸۰) **جامعه‌شناسی زنان**، ترجمه منیره نجم عراقی، نشرنی، تهران،
- الکاک، پیت و مارگارت می و کارن راولینگسون (۱۳۹۱) **مرجع سیاستگذاری اجتماعی** ترجمه علی اکبر مزینانی و محسن قاسمی، تهران، دانشگاه امام صادق
- بلیک مور، کن، (۱۳۸۹) **مقدمه ای بر سیاستگذاری اجتماعی**، ترجمه ی علی اصغر سعیدی و سعید صادقی، تهران، جامعه شناسان
- پارسونز، واین ، (۱۳۸۵) **مبانی سیاستگذاری عمومی و تحلیل سیاستها**، ترجمه: حمید رضا ملک محمدی، جلد دوم، تهران، پژوهشکده راهبردی
- زیمتو، مر (۱۳۷۸) . **روانشناسی سلامت**، ترجمه م. کاویانی، م. عباسپور، ح. محمدی، غ. تقی زاده، تهران: انتشارات سمت
- سفیری، خدیجه، (۱۳۷۷)، **جامعه‌شناسی، اشتغال زنان**، تیان، تهران
- شادی طلب، زاله، (۱۳۸۱)، **توسعه و چالش های زنان ایران**، تهران: نشر قطره
- ریترز، جورج، ۱۳۷۹ نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ چهارم
- زعفرانچی، لیلیا سادات، (۱۳۸۸)، **اشتغال زنان**، تهران، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری
- علاسونده، فریبا، (۱۳۹۰)، **زن در اسلام**، جلد ۲، قم، نشر هاجر
- خلویون، سید محمد رضا، (۱۳۸۱) **کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین الملل کار**، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
- هدایت نیا فرج الله، (۱۳۹۵)، **الگوی سوم**، انتشارات لشکر فرهنگیان
- قوی، نیره، (۱۳۹۴) **درآمدی بر کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در قلمرو زنان**، تهران، نشر معارف،
- کاشانی ها، زهرا، (۱۳۸۲)، **زهرا مظهر جمال**، تهران، انتشارات رامین، چاپ دوم
- گاجل، رابرت، جی، و دیگران، (۱۳۷۷)، **زمینه روان شناسی تندرستی**، ترجمه دکتر غلامرضا خوی نژاد، تهران، انتشارات قدس رضوی
- گراگلیا اف، کارولین، (۱۳۸۶)، **آرامش در خانه**، ترجمه مریم فرمند. مجموعه مقالات فمینیسم و خانواده. تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) **جامعه شناسی**، ترجمه: صبوری، منوچهر. تهران: نشر نی
- لانگه، سارا (۱۳۷۲) **معیارهایی برای توانا سازی**، تهران: انتشارات روشنگران
- نژادبهرام، زهرا، (۱۳۹۵)، **اقتصاد و اشتغال زنان در ایران**، نشر اشکات در انگلستان
- امیدی، رضا، و صالی، سعیده، (۱۳۹۳) **سیاستگذاری اجتماعی**، زمینه ها و رویکردها
- امینی، سعیده، (۱۳۹۵) بررسی تطبیقی وضعیت اجتماعی زنان در دولت های دو دهه اخیر، **فصلنامه علوم اجتماعی**، زمستان ۱۳۹۵
- آل کجیاف، حسین (۱۳۸۵)، **بایدها و نبایدهای قانونی اشتغال زنان**، مطالعات راهبردی زنان، گزارش گروه اجتماعی مشرق، **پرتال جامع علوم انسانی**، شماره ۳۴
- باقری، شهلا، (۱۳۸۳)، خانواده و سیاستگذاری اجتماعی در عرصه ملی و فراملی، **مجله مطالعات راهبردی زنان**
- ضرغامی فرد، مژگان، (۱۳۹۵) **بررسی تجربه ها و چالش های زنان در پست های رهبری سازمان**، فصلنامه علمی پژوهشی وزارت علوم، دوره دوازدهم
- حقیقت گو، مریم، فروردین (۱۳۸۴)، «تحصیلات دختران، سندی ماندگار و مایه افتخار (عملکرد ۲۵ ساله آموزش و پرورش، آمارها و مقایسه‌ها با دیگر کشورها)»، **پیام زن** (ویژه‌نامه زنان در جمهوری اسلامی ایران - دفتر سوم)، ماهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و هنری، سال چهاردهم، شماره یکم.
- رمضانی، جواد، (۱۳۹۵) **آشنایی با جایگاه و سهم زنان در برنامه های توسعه**
- رنانی، محسن، آریابیان، شیرین، میرزایی، محمد (۱۳۹۰) شناخت ساختار اشتغال زنان در بخش غیررسمی کشور، **فصلنامه تحقیقات اقتصادی راه اندیشه**،
- زعفرانچی، لیلیا سادات (۱۳۸۵) زن و خانواده در چهار برنامه توسعه، **فصلنامه مطالعات راهبردی زنان**، شماره ۳۳
- فائض، سمانه، (۱۳۹۴)، **توانمندی سازی زنان، رویکردی استراتژیک در فرایند توسعه کشور**، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- عزیزی، فیروزه، (۱۳۹۴)، **رویکرد اعتدال از انقلاب اسلامی تاکنون**، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- عطارزاد، مجتبی، (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی مفهوم جنسیت در اسلام و غرب، **مطالعات راهبردی زنان** شماره ۴۲
- قاراخانی، معصومه، (۱۳۹۰) تحلیل سیاست اجتماعی در ایران (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸)، **پایان نامه دکتری جامعه شناسی سیاسی**
- کریمی، زهرا، (۱۳۹۰) **قانون حداقل دستمزد و اشتغال غیر رسمی در ایران**، اولین همایش ملی اقتصاد ایران، دانشگاه تهران
- گائینی، فاطمه، (۱۳۸۵) **ارزیابی وضعیت زنان در آموزش عالی ده ساله اخیر**، شورای فرهنگی اجتماعی زنان
- مزینانی تاج، یاسری زینب، (۱۳۹۲) بررسی سیاستگذاری اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات راهبردی شورای فرهنگی اجتماعی زنان**
- مزینانی، علی اکبر، کاردوانی، راحله، (۱۳۹۶)، **بررسی رویکرد کلان سیاستگذاری اجتماعی ایران در حوزه مادری**
- سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، آذرماه (۱۳۸۲).
- قدیر، محسن، (۱۳۸۵) اشتغال زنان از منظر اسلام و غرب، **مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان اولویتها**

- ورویکردها، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان
- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی**، فرهنگی و اجتماعی ج.ا.ا، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸
- قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی**، فرهنگی و اجتماعی ج.ا.ا، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی**، فرهنگی و اجتماعی ج.ا.ا، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۹
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی**، فرهنگی و اجتماعی ج.ا.ا، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۴
- قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی**، اجتماعی، فرهنگی ج.ا.ا. (۱۳۹۰)، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور.
- Alcock,G&G. Daly &E. Griggs. (2008).**Introducing Social policy**,second edition. Pearson, Longman
- Decker,c.l.(2007).”Social Support and Adolescent Cancer Survivor :A Review the Literature” **Psycho Oncology**,16:1-11
- Conger jay,a Kanugo robindra .n’ **1998 the empowerment process: integrating theory practice**
- Academy of management review.
- Leathwood.Carole,(2009),**Gender and the Changing Face of Higher Education** ,United Kingdom Open University press
- Moser.carolin.n&Torngvist&van Bernic**mainstreaming cender and development in the world Bank** (progress and recommendations),Washington:world bank۱۹۹۹.
- Mehran ,G.(2003).**Theparadox of tradition and Modernity in Female’s Education in the Islamic Republic of Iran.**
- Ugbomeh,M.M.George(2001).**women Empowerment in Agricultural Education** , for Sustainable Rural Development Oxford University press and Community Development journal 4:289-302.
- Walsh, M & P. Stephens & S. Moore. (2000). **Social policy & welfare**, Staley thomes.
- www.Bazresi.ir
- www.Iran-newspaper.com
- wwwMehmews.com
- www.Isna.com
- www.Women .gov.ir
- www.Donya-e-egtesad.com